

مادر می خواهد شوهرش به اشد مجازات برسد

محاكمه مجدد ناپدری

برای مرگ تلخ باران کوچولو

معصومه مرادپور باران کوچولو در خانه وحشت ناپدری اش به قتل رسید و این مرد بی عاطفه با داستانسرایی می خواهد خودش را بی گناه نشان دهد. این ناپدری سنگدل که متهم است دختر خردسال را به قتل رسانده است در حالی پای میز محاکمه ایستاد که مدعی شد قاتل نیست اما مدارکی روی میز قضات وجود داشت که نشان می داد او این جنایت تکان دهنده را مرتکب شده است.

ازدواج بعد از مرگ شوهر

مادر باران در تحقیقات گفت: بعد از مرگ شوهر اولم با دخترم زندگی می کردم تا اینکه حدود ۶ ماه قبل از این حادثه با فریدون آشنا شدم و باهم ازدواج کردیم. او ادامه داد: مقداری پول از پدرباران به او اوت رسید و من این پول را به فریدون دادم تا ماشین بخرد اما او به جای اینکه سند ماشین را به نام باران بزند آن را به نام خودش کرد و من بابت این قضیه شدت ناراحت شدم. مادر باران کوچولو گفت: از آن موقع بود که احساس می کردم رفتار خوبی با دخترم ندارد. روز قتل فریدون قرار بود

مادرم در با خانه اش برساند که باران را هم با خودش برد اما من خانه ماندم. ساعت ۱۰ شب بود که از بیمارستان به من زنگ زدند، من از زمانی که دخترم کشته شده از لحاظ روحی و روانی شدت افسرده شده ام. قانون باید با اشد مجازات با این قاتل برخورد کند.

اصرار مادر بر مجازات قاتل

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده صبح سه شنبه در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز به ریاست قاضی فیروزه ای زنجیر مستشار

دادگاه در حالی شروع شد که مادر این دختر دو ساله به نام باران که پس از مرگ فرزندش گرفتار افسردگی شدیدی شده است، به قضات دادگاه گفت: بچه من بی گناه و معصوم بود اما قربانی خودخواهی این مرد شد. من از قضات دادگاه تقاضا دارم او را به قصاص محکوم کنند.

شامگاه شوم

رسیدگی به پرونده این جنایت از شامگاه بیست و پنجم خرداد با مرگ مشکوک دختر کوچولو در بیمارستانی در کرج شروع شد. مادر باران سراسیمه با مراجعه



در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد. در آغاز جلسه دادگاه، قاضی دهقان نماینده دادستان متن کیفرخواست را خواند، سپس مادر باران کوچولو در جایگاه ایستاد و از قضات خواست قاتل فرزندش هرچه زودتر به اشد مجازات محکوم شود. **نقض حکم قصاص** اما قضات دیوان عالی کشور پس از بررسی، این حکم را تأیید نکردند. بنابراین پس از نقض حکم قصاص، سرانجام بار دیگر پرونده تحت رسیدگی قرار گرفت و صبح سه شنبه مرد جوان که بتازگی با قید وثیقه آزاد شده بود

ماجرای گروگانگیری مادر و ۳ دختر در فارس

سرهنگ هادی محمدیان فرمانده انتظامی اوز استان فارس ضمن اعلام خبر پایان یافتن گروگانگیری در این شهر گفت: با حضور به موقع پلیس این شهرستان، ۴ نفر گروگان - مادر و ۳ دخترش - به صورت صحیح و سالم از دست پدر مسلح آزاد شدند. وی افزود: مأموران در بررسی اولیه مطلع شدند که فردی به هويت فرزاد به دلیل نداشتن حالت روحی و روانی مناسب و اختلاف خانوادگی، فرزندان خود شامل ۳ دختر و همسر خود را در خانه حبس و با تیراندازی به صورت هوایی با اسلحه سوزنی باعث رعب و وحشت آنان شده است.

حادثه وحشتناک برای ۶ کودک و ۵ زن و مرد قزوینی در شهربازی

رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث استان قزوین گفت: حادثه سقوط چرخ و فلک شهربازی دالک در بوستان باراجین ۱۱ مصدوم به همراه داشت. حسن اسماعیلی از قزوین، از حادثه سقوط چند نفر در شهربازی دالک قزوین در پارک ملی باراجین در شامگاه پنجشنبه ۸ تیرماه خبر داد و گفت: ساعت ۲۲:۲۲ به تاریخ پنجشنبه ۸ تیرماه با مرکز ارتباطات اورژانس پیش بیمارستانی استان قزوین تماسی حاکی از سقوط چرخ و فلکی واقع در بوستان فدک شهربازی دالک گرفته شد. اما در پی این حادثه حسین رحبی دادستان عمومی و انقلاب قزوین از ورود دستگاه قضا به حادثه در پارک باراجین خبر داد و گفت: نظر به وقوع حادثه در بازیگاه دالک و سقوط چرخ و فلک کودکان و آسیب دیدن ۵ کودک و ۲ فرد بزرگسال، بعد از بررسی اولیه موضوع از مسئولان مربوطه خواسته ایم که عوامل مسبب این حادثه را به دادستانی معرفی کنند.

تصادف با شتر ۴ نفر رادر دم کشت



برخورد یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ در محور ریگان-ایران شهر چهار کشته و ۲ مصدوم داشت. جمعیت هلال احمر کرمان گزارش داد، محل این تصادف در کیلومتر ۱۵ محور ریگان- ایران شهر (سیستان و بلوچستان) بوده که ساعت ۱:۳۵ بامداد روز پنجشنبه هشتم تیر رخ داد. در پی کسب اطلاع از برخورد خودرو سواری با شتر یک تیم امداد هلال احمر به محل حادثه اعزام شد و مجروحان و متوفیان بعد از امداد رسانی به عوامل مربوطه تحویل داده شدند.

جراح زیبایی قلابی چه بر سرآبادانی ها آورد؟

سرهنگ کیومرث کشوری رئیس پلیس آبادان گفت: به دنبال شکایت معاونت غذا و دارو آبادان مبنی بر فعالیت غیرمجاز پزشک زیبایی از طریق فضای مجازی، موضوع در دستور کار پلیس اطلاعات و امنیت عمومی این شهرستان قرار گرفت. وی با بیان اینکه مرد جوانی با بهره گیری از فضای مجازی ابتدا از طریق راه اندازی صفحه ای در اینستاگرام، خود را به عنوان پزشک جراح زیبایی معرفی کرده بود، افزود: پزشک قلابی که با رهن و اجاره یک خانه و تهیه مدارک جعلی پزشکی مراجعه کنندگان را به آدرس خود هدایت و حتی برخی مراجعه کنندگان را عمل جراحی کرده بود توسط مأموران پلیس با کار اطلاعاتی شناسایی و طی عملیاتی دستگیر شد. سرهنگ کشوری با اشاره به اعتراف متهم به بزه انتسابی و دریافت مبالغ هنگفت از مراجعه کنندگان تصریح کرد: برای متهم به جرم جعل عنوان و دخالت در امر پزشکی پرونده قضایی تشکیل و از طریق دادسرا راهی زندان شد.

زیبایی های گمشده مادری در ۱۷ سالگی

در حالی که در آغوش مادرش، آرام گرفته بود، من نیز زیر برگه اش آرام نوشتم: تقدیم برای سیر مراحل قانونی!

فقط ۱۳ سالم بود از مدرسه برگشتم و دیدم تعدادی کفش جلوی در است. خوشحال شدم و حدس زدم عمه جان است. مدت ها بود ندیده بودمش، با سرعت پریدم در آغوشش و حسابی از دیدار مجددش خوشحال شدم. رفتم داخل اتاق تا لباسم را عوض کنم که مادرم آمد و گفت: نرگس این چه رفتاری است؟! گفتم: چه رفتاری؟! گفت: عمه، به خواستگاری آمده و آن وقت تو مثل بچه ها رفتار می کنی! گفتم: خواستگاری! من ۱۳ سالمه، مگر می شود؟! قبول نمی کنم! مقاومت فایده ای نداشت!

پدرم که به تازگی زن دومش را گرفته بود، حوصله ما را نداشت و می خواست زودتر برویم دنبال زندگی مان و مادرم هم پی جدایی بود و دغدغه های مهمتری داشت تا من و زندگی و آینده ام. فشارهای خانوادگی و انتظارات نابجا از یک دختر نوجوان و البته ناتوانی من در مقاومت بیشتر، مرا نشانند پای سفره عقدی که دوست داشتم دخترکان شاد اطرافش باشم تا عروس لرزان پراز دلهره. از همان روزهای نخست زندگی مشخص بود، علی خواسته یا ناخواسته تلاش می کند مرا طوری تربیت کند که می خواهد و اصلاً شخصیت من و آنچه را هستم نمی پسندد. هر روز که می گذشت، مطمئن تر می شدم که این ازدواج غلط است و روز به روز غلط تر هم می شود. تا به خودم آمدم، فهمیدم با دارم. بچه ای در انتظار بچه ای دیگر. اصلاً مادر بودن را نمی فهمیدم. دلم می خواست هنوز بچگی کنم و از نوجوانی ام لذت ببرم. دلم می خواست همه اینها خواب باشد و درحالی که در اتاقم زیر پنجره آبی و پرده صورتی رنگش دراز کشیده و دفتر نقاشی ام با یک عالمه مداد اطرافم پخش شده، بیدار شوم و دوباره ادامه نقاشی ام را بکشم. ولی اینها خواب نبود! زندگی ام بود، تنها زندگی ام...

فکر می کنم علی هم فهمیده بود که ازدواجش

با من اشتباه بوده. چون اخلاقم خیلی تند شده بود، خانه نمی ماند و به هر بهانه ای شب ها نمی آمد و... مدام سرکوفت می زد که بچه ای هیچ چیزی نمی فهمی! مدام طلاق پدر و مادرم را می گوید به سرم و... منم همه چیز را رها کرده بودم، یعنی توان نداشتم ادامه دهم. ۱۷ ساله ام، ولی خیلی خسته، شکسته و درمانده.

نظر کارشناس
شاهچراغ، رئیس مرکز مشاوره آرامش سمنان طبق معمول تلاش کردم، زیبایی های زندگی اش را کنار هم بچینم و تصویری بهتر از سال های زندگی اش تقدیمش کنم! او را امیدوار سازم به روزهای بهتر، تغییر در علی و آینده آرامشش با دخترش، ولی این تابلو برای نرگس، سیاه تر از آن بود که بتوانم چشماتش را دوباره به آن بازگردانم. مدام تکرار می کرد، می خواهم جدا شوم. حالا که علی طلاق توافقی را پذیرفته، می خواهم جدا شوم. همین خانم.

در حالی که در آغوش مادرش، آرام گرفته بود، من نیز زیر برگه اش آرام نوشتم: تقدیم برای سیر مراحل قانونی!

پدرم که به تازگی زن دومش را گرفته بود، حوصله ما را نداشت و می خواست زودتر برویم دنبال زندگی مان و مادرم هم پی جدایی بود و دغدغه های مهمتری داشت تا من و زندگی و آینده ام. فشارهای خانوادگی و انتظارات نابجا از یک دختر نوجوان و البته ناتوانی من در مقاومت بیشتر، مرا نشانند پای سفره عقدی که دوست داشتم دخترکان شاد اطرافش باشم تا عروس لرزان پراز دلهره. از همان روزهای نخست زندگی مشخص بود، علی خواسته یا ناخواسته تلاش می کند مرا طوری تربیت کند که می خواهد و اصلاً شخصیت من و آنچه را هستم نمی پسندد. هر روز که می گذشت، مطمئن تر می شدم که این ازدواج غلط است و روز به روز غلط تر هم می شود. تا به خودم آمدم، فهمیدم با دارم. بچه ای در انتظار بچه ای دیگر. اصلاً مادر بودن را نمی فهمیدم. دلم می خواست هنوز بچگی کنم و از نوجوانی ام لذت ببرم. دلم می خواست همه اینها خواب باشد و درحالی که در اتاقم زیر پنجره آبی و پرده صورتی رنگش دراز کشیده و دفتر نقاشی ام با یک عالمه مداد اطرافم پخش شده، بیدار شوم و دوباره ادامه نقاشی ام را بکشم. ولی اینها خواب نبود! زندگی ام بود، تنها زندگی ام...

قرار سیاه دختر تهرانی در ارابه شوم



دختر جوان که در ارابه شیطان تسلیم نیت شوم پسری آشنا شده بود، دست به افشاکاری زد و خواستار مجازات آزارگر شد. این پسر شیطان صفت به بهانه گفت و گو با دختر جوان وی را در داخل ماشینش حبس کرد و پس از ضرب و جرح، آزار داد.

افشاکاری نزد پلیس

یک ماه قبل دختر ۲۲ ساله ای به نام مهشید به پلیس آگاهی تهران رفت و از پسری به نام که وی را شکنجه کرده و آزار داده بود، شکایت کرد. مهشید در تشریح ماجرا گفت: مدتی قبل در دانشگاه با پسری به نام آریا آشنا شدم. آریا همکلاسی ام بود و به من ابراز علاقه کرد. ما با هم قرار ازدواج گذاشته بودیم که یک شب از بیمارستان با من تماس گرفت و گفت در دعوی خیابانی جاقو خورده و زخمی شده است. آریا تحت عمل جراحی قرار گرفت و پس از ترخیص از بیمارستان از پسری به نام سام که او را با قمه زخمی کرده وی ادامه داد: پرونده آنها در دادسرا تحت

رسیدگی بود که سام به من تماس گرفت و از من خواست تا با آریا صحبت کنم و او را راضی کنم تا در دادسرا اعلام گذشت کند. سام با من قرار ملاقات گذاشت و اصرار کرد سر قرار بروم. او می گفت می خواهد به من حرف های مهمی بزند. من سر قرار رفتم و سوار ماشین او شدم. اما او یکباره درها را قفل کرد و به شدت مرا کتک زد. او مرا به خیابانی خلوت برد و بدون توجه به التماس هایم آزارم داد. او تهدیدم کرد اگر از او شکایت کنم بار دیگر سراغ آریا می رود و این بار او را می کشد. من اصلاً نمی دانم او و آریا چه خصومتی با هم دارند.

بازداشت پسر آزارگر

بازداشت پسر آزارگر
بازداشت پسر آزارگر
بازداشت پسر آزارگر

رازگشایی از مانتوهای ۴ میلیاردی

در دستور کار قرار گرفت و تحقیقات پرونده آغاز شد و کارشناسان پلیس فتا با بهره گیری از روش های علمی و سایریری موفق به شناسایی مجرم و دستیابی به اطلاعات هویتی وی شده و متوجه شدند سارق با ایجاد یک سایت جعلی فروش مانتوی تابستانه و ایجاد درگاه جعلی اقدام به سرقت اطلاعات حساب بانکی مراجعه کنندگان می کند. این مقام مسئول خاطرنشان کرد: پس از محرز شدن هویت مجرم برای پلیس و جمع آوری مستندات کامل

این مقام انتظامی ادامه داد: شاکي در اظهاراتش عنوان کرد با یک سایت فروش مانتو در فضای مجازی برخورد کردم که با قیمت پایین تر از بازار اقدام به فروش می کرد، وسوسه شدم و جهت خرید از طریق درگاه بانکی موجود در داخل سایت اقدام کردم و پس از وارد کردن اطلاعات حساب کاربری خود با تراکنش ناموفق مواجه شدم و پس از لحظاتی تمام موجودی حساب بانکی ام خالی شد. وی افزود: بلافاصله پس از اخذ اظهارات شاکي موضوع

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات پایتخت از شناسایی و کشف پرونده ای با موضوع برداشت غیرمجاز اینترنتی از حساب شهروندان با ترغیب فروش مانتو ارزان قیمت خبر داد. سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران اظهار داشت: شخصی به پلیس فتا مراجعه کرد و مدعی شد حدود ۵۰۰ میلیون ریال به صورت غیرمجاز از حساب بانکی اش برداشت شده است، در همین خصوص پرونده اولیه تشکیل شد.